

## خدا از طریق خادم خود عمل میکند (۱)

بیشتر مواقع ما طوری رفتار میکنیم که مثل اینکه خدا به ما گفته که از ما چه میخواهد، سپس ما را به تنهایی برای انجام آن کار رها میکند. سپس، هرگاه بخواهیم او را صدا میکنیم، و او به ما کمک خواهد کرد. اما بر اساس کتاب مقدس خدا اینگونه عمل نمیکند. وقتی که او تصمیم به انجام کاری دارد، آنرا برای خادمین خود آشکار میکند. خدا میخواهد آن کار را از طریق خادم خود انجام دهد.

وقتی خدا میخواهد کاری را از طریق شما انجام دهد، او باید شما را از جایی که هستید به جایی که او هست منتقل کند. و این مطلب را از طریق به شما مکشوف خواهد کرد. (در قسمتهای بعدی سعی خواهیم کرد که به شما کمک کنم تا بتوانید صدای خدا را تشخیص دهید.) وقتی که این تشخیص را دادید، سپس به او خواهید پیوست. در آن زمان زندگی شما مثل قبل نخواهد بود.

### ۷ مورد در تجربه کردن خدا

۱. خدا همواره در اطراف شما در حال عمل کردن است.
۲. خدا میخواهد با شما رابطه ای نزدیک، عاشقانه و عمیق برقرار کند.
۳. خدا از شما دعوت میکند تا در کار او به او بپیوندید.
۴. خدا بوسیله روح القدس از طریق کتاب مقدس، دعا، اتفاقات، و کلیسا، هدف و راه خود را مکشوف میکند.
۵. دعوت خدا همیشه شما را با دوره ای از بحران روحانی روبه رو خواهد کرد که احتیاج به ایمانی قوی و قدم برداشتن در مسیری خاص خواهد داشت.
۶. شما نیاز به ایجاد تغییری اساسی در زندگی خود دارید تا بتوانید با کار خدا پیش روید.
۷. شما خدا را از طریق اطاعت کردن از او، در زمانیکه کارهای او را در زندگی تان تجربه میکنید خواهید شناخت.

در بررسی موارد بالا ممکن است چنین سئوالاتی برای شما پیش آید:

\* در یک رابطه عاشقانه با خدا چه مواردی را تجربه خواهیم کرد؟

\* چگونه صدای خدا را تشخیص دهیم؟

\* چگونه اعمال خدا را تشخیص دهیم؟

\* چه اصلاحات و تغییراتی را باید انجام دهیم؟

\* چه تفاوتی بین اطاعت و تغییر دادن زندگی ام است؟

در سرتاسر کتاب مقدس ، وجه تشابه بین اشخاصی که خدا با آنها صحبت می‌کرد ، اینگونه بود:

\*وقتی خدا صحبت کرد ، آنها میدانستند که این خداست که سخن می‌گوید.  
\*آنها می‌فهمیدند که خدا چه می‌گوید.  
\* آنها میدانستند که چه قدمی باید بردارند.

آیا شما دلتان نمی‌خواهد که اینچنین رابطه‌ای با خدا داشته باشید؟ خدا شما را به چنین رابطه‌ای دعوت میکند.

### مثال موسی

زندگی موسی مثال خوبی از کتاب مقدس برای بررسی چگونگی کار خدا با خادمین خود میباشد. فصل ۲، ۳، و ۴ خروج در مورد زندگی و دعوت او صحبت میکنند. بگذارید بر طبق ۷ موردی که در بالا مطالعه کردیم ، زندگی موسی را بررسی کنیم .  
۱. خدا در اطراف موسی در حال انجام کاری بود:

و واقع شد بعد از ایام بسیار که پادشاه مصر بمرد ،  
و بنی اسرائیل به سبب بندگی آه کشید ، استغاثه  
کردند ، و ناله ایشان به سبب بندگی نزد خدا بر آمد .  
و خدا ناله ایشان را شنید ، و خدا عهد خود را با ابراهیم  
و اسحاق و یعقوب بیاد آورد . و خدا بر بنی اسرائیل نظر  
کرد و خدا دانست (خروج ۲: ۲۳-۲۵).

۲. خدا پیگیر رابطه‌ای عاشقانه و حقیقی با موسی بود:

و خداوند به موسی گفت : نزد من به کوه بلا بیا ، و  
آنجا باش تا لوحهای سنگی و تورات و احکامی را که  
نوشته ام تا ایشان را تعلیم نمایی ، به تو دهم .....  
و چون موسی به فراز کوه بر آمد ، ابر کوه را فرو  
گرفت . و جلال خداوند بر کوه سینا قرار گرفت ،  
و شش روز ابر آن را پوشانید ، و روز هفتمین ،  
موسی را از میان ابر ندا در داد ..... و موسی به  
میان ابر داخل شده ، به فراز کوه بر آمد . و موسی  
چهل روز و چهل شب در کوه ماند (خروج ۲۴: ۱۲-۱۵ ، ۱۶ ، ۱۸).

۳. خدا از موسی دعوت کرد تا در کاری که او میخواست انجام دهد شریک شود:

و نزول کردم تا ایشان را از دست مصریان خلاصی دهم  
و ایشان را از آن زمین به زمین نیکو و وسیع بر آورم ،  
به زمینی که به شیر و شهد جاری است ، به مکان  
کنعانیان و حتیان و اموریان و فرزندان و حیوان و  
یبوسیای ..... پس اکنون بیا تا تو را نزد فرعون  
بفرستم ، و قوم من ، بنی اسرائیل را از مصر بیرون  
آوری (خروج ۳: ۱۰).

سئوالات زیر را بر طبق آیات بالا پاسخ دهید:

۱. خدا در رابطه با اسرائیل در حال چه کاری میخواست انجام دهد؟

۲. چه مدرکی ثابت میکند که خدا پیگیر رابطه ای خصوصی و نزدیک با موسی بود؟

۳. خدا چگونه میخواست موسی را به کاری که در حال انجام دادن آن بود پیوند دهد؟

جواب: (۱) با اینکه موسی یک تبعیدی در صحرا بود، او در مرکز اراده و خواست خدا بود. زمانیکه خدا میخواست فرزندان اسرائیل را نجات دهد، موضوع مهم این نبود که اراده خدا برای موسی چه بود بلکه مهم خواست خدا برای اسرائیل بود.

(۲) خواسته خدا این بود که فرزندان اسرائیل را نجات دهد و موسی کسی بود که خدا میخواست از طریق او اینکار را انجام دهد.

(۳) هر چند وقت یکبار خدا از موسی دعوت میکرد که با او باشد و صحبت کند. خدا این رابطه را آغاز کرد و آنرا با موسی ادامه داد. این رابطه بر پایه عشق و اینکه هر روزه خدا از طریق دوست خود موسی خواست خود را انجام دهد بود.

هر گاه خدا آماده انجام کاری میشود، نخست آنرا بر خادمین خود آشکار میکند. خدا کارهای خود را از طریق خادمین خود انجام میدهد. خدا اینگونه در زندگی شما کار میکند. کتاب مقدس به شما برای راههای خدا کمک میکند. بنابراین وقتی خدا شروع به انجام کاری میکند، شما کار خدا را تشخیص خواهید داد.

۴. خدا صحبت کرد که خود، هدف و راهش را آشکار کند:

و فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته ای بر وی ظاهر شد، و چون نگریست، اینک آن بوته به آتش مشتعل است اما سوخته نمیشود. و موسی گفت: اکنون بدان طرف شوم، و این امر غریب را ببینم، که بوته چرا سوخته نمیشود. چون خداوند دید که برای دیدن مایل بدان سو میشود، خدا از میان بوته به وی ندا در داد و گفت: ای موسی، ای موسی. گفت: لبیک. گفت: بدین جا نزدیک میا، نعلین خود را از پایهایت بیرون کن، زیرا مکانی که در آن ایستاده ای زمین مقدس است. و گفت: من هستم خدای پدرت، خدای ابراهیم، و خدای اسحاق، و خدای یعقوب. آنگاه موسی روی خود را پوشانید، زیرا ترسید که به خدا بنگرد. و خداوند گفت: هر آینه مصیبت قوم خود را که در مصر ندیدم، و استغاثه ایشان را میدانم. و نزول کردم تا ایشان را از دست مصریان خلاصی دهم، و ایشان را از آن زمین به زمین نیکو و وسیع بر آورم، به زمینی که به شیر و شهد جاری است، مکان کنعانیان و حتیان و اموریان و فرزریان و حویان و یبوسیان (خروج ۳: ۲-۱).

اگر در میان شما نبی ای باشد، من که یهوه هستم، خود را در رؤیا بر او ظاهر میکنم و در خواب به او سخن میگویم. اما بنده من موسی چنین نیست. او در تمامی خانه من امین است. با وی روبرو و آشکارا و نه در رمزها سخن میگویم، و شبیه خداوند را معاینه مینماید. پس چرا نترسیدید که بر بنده من موسی شکایت آوردید؟ (اعداد ۱۳: ۶-۱)

۵. دعوت خدا از موسی باعث شد که موسی با بحرانی روبه رو شود که احتیاج به ایمانی قوی و اقداماتی اساسی داشت. موسی بحران خود را بدین طریق بروز داد:

موسی به خدا گفت: من کیستم که نزد فرعون بروم، و بنی اسرائیل را از مصر بیرون آورم؟ .....موسی به خدا گفت: اینک چون من نزد بنی اسرائیل برسم، و بدیشان گویم خدای پدران شما مرا نزد شما فرستاده است، و از من بپرسند که نام او چیست، بدیشان چه گویم؟ (خروج ۳: ۱۱، ۱۳).

موسی در جواب گفت: همانا مرا تصدیق نخواهند کرد، و سخن مرا نخواهند شنید، بلکه خواهند

گفت یهوه بر تو ظاهر نشده است ..... پس موسی  
به خداوند گفت : ای خداوند ، من مردی فصیح  
نیستم ، نه در سابق و نه از وقتی که به بنده خود  
سخن گفتم ، بلکه بطنی الکلام و کند زبان .....  
گفت : استدعا دارم ای خداوند که بفرستی به دست  
هر که میفرستی . (خروج ۱۰:۴، ۱۳).

۶. موسی برای پیش بردن کار خدا احتیاج به تغییراتی اساسی در زندگی خود داشت :

به ایمان چون موسی بزرگ شد ، ابا نمود از اینکه  
پسر دختر فرعون خوانده شود ، و ذلیل بودن با قوم  
خدا را پسندیده تر داشت از آنکه لذت اندک زمانی  
گناه را ببرد ؛ و عار مسیح را دولتی بزرگتر از خزائن  
مصر پنداشت زیرا که به سوی مجازات نظر میداشت .  
به ایمان ، عید فصیح و پاشیدن خون را بعمل آورد تا  
هلاک کننده نخستزادگان ، بر ایشان دست نگذارد .  
به ایمان ، از بحر قلزم به خشکی عبور نمودند و اهل  
مصر قصد آن کرده ، غرق شدند (عبرانیان ۱۱: ۲۴-۲۹).

و خداوند در مدیانه به موسی گفت : روانه شده به  
مصر برگرد ، زیرا آنانی که در قصد جان تو بودند ،  
مرده اند . پس موسی زن خویش و پسران خود  
را برداشته ، ایشان را بر الاغ سوار کرده ، به زمین  
مصر مراجعت نمود ، و موسی عصای خدا را به دست  
خود گرفت (خروج ۴: ۱۹-۲۰).

۷. موسی خدا را از طریق اطاعت کردن از او و کارهایی که خدا در زندگی اش انجام میداد  
تجربه میکرد :

و خداوند به موسی گفت : چرا نزد من فریاد میکنی ؟  
بنی اسرائیل را بگو که کوچ کنند . و اما تو عصای  
خود را بر افراز و دست خود را بر دریا دراز کرده ،  
آن را منشق کن ، تا بنی اسرائیل از میان دریا  
بر خشکی راه سپر شوند . و اما من اینک دل  
مصریان را سخت میسازم ، تا از عقب ایشان  
بیایند ، و از فرعون و تمامی لشکر او و ارا به ها و  
سوارانش جلال خوهم یافت .

پس موسی دست خود را بر دریا دراز کرد و خداوند دریا را به باد شرقی شدید، تمامی آن شب برگردانیده، دریا را خشک ساخت و آب منشق گردید. و بنی اسرائیل در میان دریا بر خشکی میرفتند و آبها برای ایشان بر راست و چپ، دیوار بود. و مصریان با تمامی اسبان و ارابه ها و سواران فرعون از عقب ایشان تاخته، به میان دریا درآمدند.

و خداوند به موسی گفت: دست خود را بر دریا دراز کن، تا آبها بر مصریان برگردد، و بر ارابه ها و سواران ایشان. پس موسی دست خود را بر دریا دراز کرد، و به وقت طلوع صبح، دریا به جریان خود برگشت و مصریان به مقابلش گریختند، و خداوند مصریان را در میان دریا به زیر انداخت.

اما بنی اسرائیل در میان دریا به خشکی رفتند، و آبها برای ایشان دیواری بود به طرف راست و به طرف چپ. و در آن روز خداوند اسرائیل مصریان را به کنار دریا مرده دیدند. و اسرائیل آن کار عظیمی را که خداوند به مصریان کرده بود دیدند، و قوم از خداوند ترسیدند و به خداوند و به بنده او موسی ایمان آوردند (خروج ۱۴:۱۵-۱۷، ۲۱-۲۳، ۲۷-۲۹، ۳۱-۳۱).

به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- \*۱\* خدا درباره خود، هدف و راهش چه چیزی را آشکار کرد؟
- \*۲\* موسی در باور چه موردی با اشکال روبه رو شد؟
- \*۳\* چگونه ایمان موسی را خلاصه کنید.
- \*۴\* موسی به چه تغییرات اساسی در زندگی خود احتیاج داشت؟
- \*۵\* فکر میکنید بعد از اینکه خدا مردم اسرائیل را از طریق موسی آزاد کرد، به موسی چه احساسی دست داد؟

جواب ها:

۱) خدا در مورد هدفش با موسی حرف زد. خدا میخواست موسی به مصر برود تا اسرائیلی ها را از طریق او آزاد کند. خدا قدوسیت، شفقت، قدرت، نام، هدف نگاه داشتن قول خود به ابراهیم که به اسرائیل سرزمینی وعده داده شده خواهد داد و موارد دیگر که در آیات بالا گنجانده نشده بود، را در مورد خود برای موسی آشکار کرد.

۲) موسی اعتراضات زیادی کرد. او توانایی انجام کار خدا از طریق او را زیر سؤال برد. او در اینکه نکند اسرائیلی ها خدای او را باور نکنند شک کرد. و بالاخره او خود را قادر به درست صحبت کردن برای انجام این کار نمیدید. در هر صورت از این موارد موسی بیشتر به قدرت خدا شک میکرد تا قدرت خود. او با بحران باور کردن خدا روبه روشد که آیا خدا میتواند آنچه که میگوید را انجام دهد؟

۳) ایمان او در عبرانیان با از خود گذشتگی و اطمینان کامل به خدای قادر نشان داده میشود. زمانی که خدا به موسی گفت که هدف او چیست، این مکاشفه برای موسی کارت دعوتی برای پیوستن او به خدا شد.

۴) موسی تغییرات لازم را در زندگی خود داد. موسی باید به محلی که خدا کارش را انجام میداد میرفت. سپس او باید شغل و فامیل خود را ترک میگفت و به مصر نقل مکان میکرد. بعد از انجام این تغییرات، موسی در محلی قرار گرفت که میتواند از خدا اطاعت کند. این به معنای این نیست که هم اکنون میتواند کاری را به تنهایی برای خدا انجام دهد. بلکه به این معناست که هم اکنون او در جایی که خدا در حال عمل بود قرار گرفته بود و خدا میتواند از طریق او هدف خود را به انجام برساند. وقتی که خدا کاری به عظمت خدایی از طریق زندگی کسی انجام میدهد، آن شخص با فروتنی تمام با خدا روبه رو میشود.

۵) موسی به احتمال زیاد با چنین احساس فروتنی و نالایقی نسبت به کار عظیم خدا مواجه شده بود. اما به هر حال او از خدا اطاعت کرد و به هر چه که خدا از او خواست عمل کرد. هر قدمی که موسی در راه اطاعت از خدا برداشت، او را یک قدم به شناخت خدا نزدیک تر کرد.

### یک انسان عادی قادر به انجام چه کاری است؟

یکی از موارد زیبای کتاب مقدس که همیشه به من دلداری میدهد الیاس است که او هم شخصی مثل ما بود: الیاس مردی بود صاحب حواس مثل ما و به تمامی دل دعا کرد که باران نبارد و تا مدت سه سال و شش ماه نبارید و باز دعا کرد و آسمان بارید و زمین ثمر خود را رویانید (یعقوب ۵: ۱۷-۱۸). او یک انسان عادی بود و وقتی که دعا کرد خدا جواب داد.

همینطور در مورد پطرس و یوحنا، وقتی که رؤسا و مشایخ و کاتبان در اورشلیم گرد آمدند و معجزات ایشان را دیدند، اینگونه گفتند: پس چون دلیری پطرس و یوحنا را دیدند و دانستند که مردم بی علم و زامی هستند، تعجب کردند و ایشان را شناختند که از همراهان عیسی بودند (اعمال رسولان ۴: ۱۳).

تمام اشخاصی را که در سراسر کتاب مقدس می‌شناسیم، انسانهای عادی مثل من و شما بودند. ارتباط آنها با خدا و کاری که خدا از طریق آنها انجام داد، آنها را اشخاصی استثنائی جلوه داد. هر شخصی که وارد ارتباط عاشقانه با خدا شود میتواند انتظار این را داشته باشد که خدا از طریق او زندگی او کارهای عظیم انجام دهد.

د.ل. مودی شخصی با تحصیلات جزئی، با شغل کفش فروشی، احساس کرد که خدا از او دعوتی برای موعظهٔ کلامش کرده است. یکی از روزهایی که او با چندی از دوستانش برای دعا، توبه و وقف خدا شدن به دور هم جمع شده بودند، هنری وارلی گفت، "دنیا اشخاصی را به چشم خود دیده و خواهد دید که خدا چگونه میتواند با آنها، از طریق آنها، و در آنها اهداف خود را انجام دهد و چنین اشخاصی کسانی هستند که تمامی وقت خود را صرف خدا میکنند." مودی با این کلمات شدیداً لمس شد. بعدها به موعظ معروف چارلز اسپر جان گوش کرد و فکر کرد:

"منظور وارلی هر شخصی که زندگی خود را وقف خدا کند بود! او نگفت که آن شخص باید تحصیل کرده یا باهوش، یا هر چیز دیگر باشد! فقط یک شخص! خوب، پس با وجود روح القدس مودی هم میتواند یکی از آن اشخاص باشد. ناگهان در آن محل بزرگ به حقیقتی پی برد که تا به حال متوجهٔ آن نشده بود. - این اسپر جان نبود که عمل میکرد؛ بلکه خدا بود. و اگر خدا آقای اسپر جان را استفاده کرد، چرا بقیهٔ ما را استفاده نکند، و چرا ما زندگی خود را زیر پای او نگذاریم و بگوییم، "مرا بفرست! از من استفاده کن!"

مودی مردی عادی بود که تصمیم گرفت وقت خود را کاملاً صرف خدا و زندگی خود را تسلیم خدا کند. خدا از طریق یک چنین زندگی عادی قادر به انجام کارهای استثنائی میباشد. مودی یکی از بزرگترین شاگردان کلام خدا شد. او در انگلستان و آمریکا در مقابل هزاران هزار نفر موعظه کرد و هزاران نفر به عیسی مسیح ایمان آوردند.

■ آیا خدا قادر به انجام کارهای خارق العاده از طریق زندگی شما میباشد؟

ممکن است بگویید، "خوب من که د.ل. مودی نیستم. خدا نمیخواهد شما د.ل. مودی یا هر کس دیگر باشید. خدا میخواهد شما خودتان باشید و به او اجازه دهید تا از طریق شما هر کاری که میخواهد را انجام دهد. اگر شما فکر کنید که هیچ مورد مهمی از طریق زندگی شما انجام نخواهد شد، شما بیشتر راجع به ایمانتان به خدا نظر داده اید تا به قابلیت خودتان. شما در حقیقت گفته اید که خدا قادر به انجام هیچگونه عمل استثنایی در زندگی من نیست. حقیقت این است که خدا قادر به انجام هر عملی است که اراده کند در زندگی هر شخصی که به او وفادار است انجام دهد.

**استانداردهای خدا با انسان فرق میکند**



از چنین حقیقتی تعجب نکنید. کل دوران تعلیم یحیی تعمید دهنده چقدر بود؟ ممکن است حدود ۶ ماه بود. مسیح در مورد او چه نظری داشت؟ زیرا که شما را میگویم از اولاد زنان نبی ای بزرگتر از یحیی تعمید دهنده نیست (لوقا ۷: ۲۸). او ۶ ماه از زندگی خود را کاملاً صرف خدا کرد و مسیح بر او و زندگی اش و مهر تأییدیه زد.

زندگی خود را با استانداردهای دنیا اندازه گیری نکنید. اینکار را نکنید. بسیاری از کشیشان، کارمندان کلیسا، و فرقه ها اینکار را میکنند. بسیاری از کلیساها اینکار را میکنند. به این موضوع فکر کنید. ممکن است یک کلیسا و یا کشیش از نظر دنیا درست رفتار کند اما مورد بیزاری خدا قرار گیرد. به همانصورت یک کلیسا و یا شخصی ممکن است کاملاً خود را وقف خدا کند اما از دید دنیا به نظر بی اهمیت جلوه کند. خدا در جستجوی شخصی است که برای اطاعتش پاداش دهد؛ چه مسئولیتی بزرگ به او محول شود چه مسئولیتی کوچک.

اگر شما احساس ضعیفی، کوچکی، و کمبود میکنید، شما برای خدا بهترین وسیله برای انجام اراده اش هستید:

“ای برادران، وضع خود را، آن هنگام که خدا شما را فراخواند، در نظر آورید. بیشتر شما با معیارهای بشری، حکیم محسوب نمی شدید؛ و بیشتر شما از قدرتمندان یا نجیب زادگان نبودید. اما خدا آنچه را که دنیا جهالت می پندارد، برگزید تا حکیمان را خجل سازد؛ و آنچه را که دنیا ضعیف می شمارد، انتخاب کرد تا قدرتمندان را شرمند سازد؛ خدا آنچه را که این دنیا پست و حقیر می انگارد، بلکه نیستیها را، برگزید تا هستیها را باطل سازد، تا هیچ بشری در حضور او فخر نکند. و از اوست که شما در مسیح عیسی هستید، در او که از جانب خدا برای ما حکمت شده است، یعنی پارسایی، قدوسیت و بهای رهایی ما. تا چنانکه آمده است: “هر که فخر میکند، به خداوند فخر کند.” (اول قرنتیان ۱: ۲۷-۳۱)

درس امروز را مرور کنید. دعا کنید و از خدا بخواهید که آیه ای یا جمله ای را که باید در زندگی شما به وقوع بپیوندد را برای کاربرد و تمرین شما آشکار کند.